

تغییر پیش‌انگاره‌های سیاست خارجی ایران: به سوی صلحی مردم‌سالارانه

نوشته دکتر روح‌الله رضائی - استاد حکومت و مسائل خارجی در دانشگاه ویرجینیا

ترجمه علیرضا طیب

منبع Middle East Journal, Spring 1998

«برای مستقل شدن باید منزوی شویم». اما امروز فرزندان همان انقلاب‌نما سر داده‌اند که برای بیرون نماندن از گردونه نظم نوپای جهان باید راه دموکراسی را در پیش گیریم. سخن اصلی ما در نوشته حاضر آن است که پیام واقعی انتخاب حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری ایران چیزی جز همین پیش‌انگاره تازه نیست. تحقق این پیش‌انگاره نقطه پایانی بر صدها سال حکومت استبدادی در ایران خواهد بود.

اما انتخاب حجت‌الاسلام خاتمی مایه شگفتی بود همان‌طور که ریاست کارسازی بر موفقیت‌آمیزترین نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در طول تاریخ این سازمان که در آذر ۱۳۷۶ در تهران برگزار شد همگان را شگفت‌زده کرد. ولی شگفتی اصلی هنگامی پدید آمد که وی چند هفته بعد با شیردلی و لحنی آشتی‌جویانه مردم آمریکا را مورد خطاب قرار داد. چرا؟ چون خرده‌گیران از ایران نمی‌توانند باور کنند يك حکومت الهی که روحانیان مهار آن را در دست دارند بتواند فریاد دموکراسی سر دهد. از دید آنان که خود را به دروغ «واقع‌گرای سیاسی» می‌خوانند چیز تازه‌ای رخ نداده است جز آنکه يك بار دیگر سیاستمداران ایران روش مبارزه خود را تغییر داده‌اند ولی کشمکش قدرت... همچنان ادامه یافته است. نظریه پردازان «تقدیر‌گرای» انقلاب نیز چون گذشته منکر امکان هر گونه فرآیند تحول تدریجی در هر انقلابی هستند.

شعارهای اصلاح طلبانه حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی در طول مبارزه انتخاباتی خود سبب شد برنامه‌های بسیار مهم وی برای سیاست خارجی ایران از دیدگان همگان پنهان ماند. سخن ما در نوشته حاضر آن است که دلیل اصلی استقبال بسیار چشمگیر جوانان ایرانی از کل پیام آقای خاتمی را باید در جذابیت محوری و متقابلی جست که زاده دو عنصر جهان‌نگرش وی یعنی اصلاحات در داخل و صلح در خارج بوده است. زنان و مردان جوان ایرانی که در مقایسه با مادران و پدران خویش اعتماد به نفسی فزوتتر داشتند و بیش از آنان نفوذهای جهان‌گستر جنبش دموکراسی را تجربه کرده بودند عمدتاً از آن رو به آقای خاتمی رأی دادند که چشم به آزادی بیشتر در داخل و همکاری فزوتتر با بقیه جهان داشتند.

آیا انتخاب حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی به مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران نمایانگر انقلاب خاموش جوانان ایرانی است؟ در خرداد ماه ۱۳۷۶ بیست میلیون رأی دهنده یعنی ۶۹ درصد دارندگان حق رأی که عمدتاً از زنان و جوانان تشکیل شده بودند طی انتخاباتی که همگان بر آزدانه و منصفانه بودن آن اذعان دارند رأی خویش را به نفع وی به صندوق‌ها ریختند. دو دهه پیشتر، نسل گذشته ایرانیان با سرنگون ساختن رژیم پهلوی زلزله‌ای در جهان ایجاد کردند. آنان دل به سخن آیت‌الله روح‌الله خمینی باخته بودند که می‌گفت

اما انتخاب ناگهانی و شگفت‌آور حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری دقیقاً در بستر زاینده همین فرآیند تحول تدریجی ریشه داشت. این تحول با دوره‌هایی از عوارض سنگین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ناشی از تب انقلاب، ترور و وحشت‌آفرینی بویژه در مراحل اولیه انقلاب ایران، هشت سال جنگ اسف‌بار با عراق (۸۸-۱۹۸۰) به بهای تلفات سنگین انسانی و ویرانیهای مادی، و پیامدهای هشت سال بازسازی عظیم اقتصادی پس از جنگ که به بهبود بی سابقه وضع اجتماعی و اقتصادی، و مشکلاتی اقتصادی و اجتماعی به همان بی سابقگی انجامید، مشخص می‌شد.

تمنای جوانان ایرانی برای داشتن جامعه‌ای آزاد در داخل و دولتی صلح‌جو در خارج^۳ دو دسته علل بی‌واسطه دارد که یکی، از عمق دگرگونی‌های داخلی که پس از ارتحال آیت‌الله خمینی [ره] در سال ۱۹۸۹ در ایران رخ داده ریشه می‌گیرد، و دیگری نمایانگر رویارو شدن با واقعیت‌های جهان است. از نظر داخلی چشم‌داشت‌های این نسل، حاصل آمیختگی بظاهر تناقض‌آلود رنج‌های روانی-فرهنگی و توقعات امیدوارانه برای دستیابی به زندگی بهتر است. انتظارات جوانان ایرانی تا حدودی بازتاب توسعه اقتصادی هشت سال گذشته در چارچوب دو دوره ریاست جمهوری آیت‌الله رفسنجانی (۹۷-۱۹۸۹) است. گرچه در طول این دوره جوانان بتدریج از سطح زندگی بالاتری نسبت به پدران خود بهره‌مند شدند، ولی گذشته از آن، خواستار زندگی اجتماعی و سیاسی آزادتری بودند. از لحاظ مادی با بهبود وضع اقتصادی ۸۵ درصد از نزدیک به ۶۰ هزار روستای ایران، میلیون‌ها تن از روستاییان کشور برای نخستین بار از ثمرات نیروی برق و آب آشامیدنی بهره‌مند شدند. نسبت باسوادان از ۴۵ درصد جمعیت در سال ۱۹۷۸ یعنی پیش از انقلاب، به حدود ۸۰ درصد افزایش یافت. امید زندگی در میان ایرانیان میانه‌حال به رقم ۶۵ درصد رسید. تعداد زیادی از زنان به نیروی کار کشور پیوستند و از این طریق، درآمد خانواده‌ها بیشتر شد. حدود ۴۰ درصد دانشجویان رازنان تشکیل دادند و سرانجام آنچه اهمیت کمتری ندارد اینکه جامعه ایران آرام آرام نوزایی اندیشه اجتماعی و سیاسی را در میان هر دو دسته روشنفکران مذهبی و غیرمذهبی خود شاهد بوده است.^۴

گرچه همه این تحولات مثبت در جنبش جوانان ایرانی برای دستیابی به جامعه آزاد و گستره همگانی فراختر، و رأی آنان به نفع مشارکت فعال ایران در امور جهان سهم داشته، ولی رنج‌هایی که با این

تحوالات همراه بوده آتش ناخرسندی، خشم و ناکامی را نیز شعله‌ور ساخته است. اکثر ایرانیان به دشواری می‌توانند درآمد و مخارج خود را سر به سر کنند؛ نیمی از مردم حتی بر حسب سطح زندگی ایرانی، تهیدست به‌شمار می‌آیند؛ مردان برای برآورده ساختن تقاضاهای خانواده خود که پیوسته بیشتر می‌شود می‌کوشند در آن واحد چند شغل داشته باشند. تنها بخشی از فارغ‌التحصیلان دبیرستانها می‌توانند امید به پذیرفته شدن در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی داشته باشند که دلیل آن را باید عمدتاً در آزمون‌های خشک ایدئولوژیک برای ورود به این مؤسسات دانست. و بالاتر از همه، زنان و مردان ایرانی احساس می‌کنند زندگی خصوصی‌شان در معرض دست‌درازی دارو دسته‌های بی‌قانون و بی‌هویتی قرار دارد که نابجا خود را محق می‌دانند اخلاق عمومی و خصوصی را در کوچه و برزن، مدارس و دانشگاهها، و حتی در خلوت خانه‌های مردم ترویج نمایند.

چشم‌داشت ایرانیان به جامعه‌ای آزاد در داخل و یکپارچه شدن با جامعه بین‌المللی حاصل آمیزش حس غرور ملی با آگاهی فزاینده از لزوم پیوستن به جنبش جهان گستر دموکراسی است. پس از پیروزی انقلاب هراس ایرانیان از قدرتهای بیگانه کمتر شد و دیگر چندان اعتقاد نداشتند که عاملان ایرانی این قدرتها بر تمام تصمیمات کشور تأثیر می‌گذارند. جوانان ایرانی برخلاف پدران و مادران خویش هیچ خاطره‌ای از گذشته زخم‌خورده ایران که با کارشکنی، مداخله، تهاجم و اشغال خاک کشور توسط قدرتهای امپریالیستی انگ خورده است ندارند. آنان حتی رویدادهایی را که سبب شد آیت‌الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در شعار دلخواه خویش «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» برای استقلال ملی اولویت قائل شود به یاد ندارند.

اما این نسل جوانتر که هیچ خاطره‌ای از کودتای دست‌ساخته سیا در سال ۱۹۵۳ بر ضد دولت مردمی دکتر محمد مصدق ندارد، آثار توهین آمیز سیاست ایالات متحده برای مهار کردن ایران بویژه وضع تحریم تجاری به زیان این کشور به دستور بیل کلینتون در سال ۱۹۹۵ و مجازات‌های اقتصادی پیش‌بینی شده در لایحه‌ای را که سناتور آلفونسو داماتو از نیویورک کارسازی کرده است بخوبی احساس می‌کند. این واقعیت که مجازات‌های مزبور بیش از آنکه مایه مشقت باشد گرفتاری آفرین است، کمکی به التیام یافتن روحیه زخم‌خورده مردم ایران نمی‌کند. توهینی که دوست دیرینه ایران یعنی آلمان با متهم ساختن رهبران ایران در یک دادگاه آلمانی... به آن کشور کرد، بر زخم‌های پیشین افزوده شد.^۵

گسترش ارزش‌های مردم‌سالارانه و ایجاد نهادهای مردم‌سالار در

گرداگرد جهان، به انتظارات جوان ایرانی برای زیستن در جامعه‌ای آزادتر دامن زد. نه غیر قانونی کردن استفاده از آنتن‌های ماهواره، نوارهای ویدئویی و فیلم‌هایی که بدآموزی فرهنگی دارند، و نه ممیزی مطبوعات و کتابها، هیچ‌یک نتوانست دیواری گرداگرد ایران و نسل جوان شدیداً کنجکاو آن بکشد. در نتیجه، احساس ایرانیان مبنی بر آزاد شدن از سلطهٔ بیگانه طی چند سال گذشته به [درخواست] آزادی برای نوعی مشارکت سیاسی تبدیل شده است. در سطح جهان نیز دموکراسی، مرزهای تمدن‌ها و کشورها را در نور دیده است. همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال گذشته، نزدیک به نیمی از کشورهای جهان، یعنی دو برابر شمار این گونه کشورها به‌هنگام پیروزی انقلاب ایران در ۲۰ سال پیش، دارای نظام دموکراسی بودند.

پس جای شگفتی نیست که اندیشه‌های حجت‌الاسلام خاتمی با چنین پاسخ گرمی از سوی جوانان روبرو شود. وی مبارزات انتخاباتی خود را در سراسر کشور با امیدبخشی، پرهیز از ظاهر سازی و به گونهٔ مستقل پیش برد. تقریباً همهٔ ناظران دولتی و دانشگاهی مسائل ایران در غرب که مدعی بودند در این انتخابات سیاست خارجی محلی از اعراب ندارد از پیام مسالمت‌جویانه و صلح‌خواهانه‌ای که آقای خاتمی در طول مبارزات انتخاباتی خود به خارج فرستاد غفلت کردند. صلح دموکراتیک آقای خاتمی نشان از عدالت اجتماعی، حکومت قانون، جامعهٔ مدنی، آزادی‌های فردی، دموکراسی مشارکت‌آمیز، و مسئولیت دولت دارد.^۶ منظور وی از عدالت اجتماعی توزیع عادلانه‌تر ثروت، و از حکومت قانون تحمل نکردن هر گونه خودسری است. وی خواستار از میان برداشتن سوءاستفادهٔ «قرون وسطایی» مردان خودپرست از قانون برضد زنان است و می‌گوید «تهدیه‌چگران» جزم‌اندیشی که شخصاً قانون را اجرا می‌کنند و... مردم را آزار می‌دهند خود باید بدرستی محاکمه شوند.^۷

حجة الاسلام خاتمی «جامعهٔ مدنی اسلامی» مورد نظر خود را نیز از نمونهٔ غربی آن متمایز می‌سازد. از دید وی جامعهٔ مدنی غربی ریشه در مفهوم یونانی دولت‌شهر دارد، حال آنکه جامعهٔ مدنی اسلامی زادهٔ مفهوم «مدینه‌النبی» است.^۸ مقصود وی از این تمایز، برجسته‌تر ساختن تأکید جامعهٔ مدنی اسلامی بر اخلاق و معنویت، و غفلت جامعهٔ مدنی غربی از آن است. اما متفاوت بودن ریشه‌های تاریخی و فرهنگی این دو برداشت از جامعهٔ مدنی لزوماً به معنی ناهمسازی آنها در روزگار ما نیست. مفهوم آزادی‌های فردی از دید آقای خاتمی دربرگیرندهٔ آزادی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. وی کوشش

دارد میان آزادی و «لیبرالیسم» فرق گذارد نه به آن دلیل که واژهٔ لیبرالیسم در ایران حتی بیش از ایالات متحده به شکلی تحقیرآمیز به کار می‌رود بلکه از آن رو که از نظر او لیبرالیسم با «سکولاریسم» پیوند دارد و به‌همین واسطه «لیبرالیسم و اندیشهٔ اسلامی با هم در تضادند». به باور وی «در جامعهٔ ما جایی برای این مکتب فکری وجود ندارد».^۹ دو مفهوم همزاد دموکراسی مشارکتی و مسئولیت دولت نیز با منظور اصلی ما در این نوشته ارتباط دارد. به اعتقاد آقای خاتمی، قانون اساسی ایران حاوی دو مفهوم سیاسی اصلی است: یکی اصل حاکمیت مردمی که رهبران خود را برمی‌گزینند و آنها را مسئول و پاسخگو می‌دانند، و دیگری مفهوم رهبری یا ولایت فقیه. کسی که در جایگاه ولی فقیه نشسته است نه تنها قدرت کنترل اقدامات رئیس‌جمهور را دارد بلکه در قبال سلوک معنوی جامعه نیز مسئول است. اما نکتهٔ مهم این است که آقای خاتمی معتقد است قانون اساسی کوشش دارد «به این دو عامل وزنی برابر دهد».^{۱۰} این تفسیر آزادمنشانه از قانون اساسی بدان معنی است که هر چند آقای خاتمی بر تری اقتدار ولی فقیه را می‌پذیرد، ولی... هیچکس را فراتر از قانون نمی‌داند. بدین ترتیب تفسیر آقای خاتمی از قانون اساسی به نظامی می‌انجامد که نویسندهٔ حاضر آن را «دموکراسی ارشادی فقیه» می‌نامد. عملی شدن این مفهوم محوری، نیازمند جای گرفتن ارزش‌های مردم‌سالارانه در دل و جان افراد و استقرار نهادهای مردم‌سالار است.

پیوستگی مفهوم دموکراسی در داخل با صلح در خارج در اندیشهٔ حجت‌الاسلام خاتمی را می‌توان به بهترین شکل در جهان نگرش و برداشت وی از سیاست خارجی ایران مشاهده کرد. او بارها اندیشهٔ برخورد تمدنها، از اصل گفتگو میان مذاهب، فرهنگها و ملتها هواداری می‌کند. او به وابستگی متقابل جوامع، فرهنگها و اقتصادها باور دارد و هوادار نوعی «سیاست خارجی خلاق و استوار» است.^{۱۱} به باور وی، این سیاست خارجی باید بر پرهیز از خشونت و برقراری مناسبات دوستانه با همهٔ کشورها مدام که آنها هم «استقلال» ایران را به رسمیت بشناسند، و هم در برابر آن بیگیر «سیاستی تجاوزکارانه» نباشند، پایه گیرد.^{۱۲} جهان‌نگرش اساساً صلح‌جویانهٔ آقای خاتمی و پای بندی او به مردم‌سالاری گواه آن است که وی خواهد کوشید بیگیر نوعی سیاست خارجی باشد که وجه مشخصهٔ آن مفهوم «صلح دموکراتیک ارشادی فقیه» است. شالودهٔ این مفهوم بر این حکم کلی نهاده شده است که در نظام بین‌المللی، دموکراسی‌ها بیش از حکومت‌های خودکامه در جهت صلح و همکاری با یکدیگر رفتار می‌کنند.

دیدگاه نوپدید حجت الاسلام خاتمی در مورد سیاست خارجی ایران در نشست دسامبر ۱۹۹۷ سران کشورهای اسلامی در تهران که نمایندگان همه دولت‌های مسلمان جهان در آن حضور داشتند با استقبال فراوان روبرو شد. موفقیت این نشست مرهون آمیزه‌ای از برنامه‌ریزی و شانس بود. در مورد محل برگزاری هشتمین نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی، طی ششمین اجلاس سران این سازمان که در سال ۱۹۹۱ در داکا برگزار گردید، تصمیم‌گیری شد. سخنرانی آیت‌الله رفسنجانی در آن اجلاس حاوی پرتوهایی از اندیشه آقای خاتمی بود. آقای رفسنجانی در سخنرانی خود خواهان گفتگوی شمال و جنوب در پی فروپاشی کمونیسم، از میان برداشتن جنگ‌افزارهای ویژه نابودی جمعی، و مشارکت زنان در قلمرو دانش و فرهنگ و نیز در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین‌المللی شد. از هر جهت که نگاه کنیم، سخنرانی وی به تصمیم‌گیری برای برگزاری هشتمین نشست سران در تهران کمک بسیار کرد.

شمار بی‌سابقه رهبران و مقامات بلندپایه‌ای که در هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران شرکت جستند از تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت خود آقای خاتمی هم خبر می‌داد. پیام‌های انتخاباتی آقای خاتمی برای جامعه بین‌المللی بویژه همسایگان ایران بسیار جالب توجه بود. این پیام‌ها نخستین نشانه‌های اصلی تلاش آشتی‌جویانه ایران به‌شمار می‌رفت. کمال خرازی وزیر خارجه جدید نیز از هیچ تلاشی برای مهیا ساختن زمینه مشارکت فوق‌العاده رهبران عرب سراسر خاورمیانه در نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی فروگذار نکرد.

اما در موفقیت این اجلاس، خوش اقبالی هم دستکم به همان اندازه نقش داشت که تلاش‌هایی که ایران پیش و پس از به قدرت رسیدن آقای خاتمی صورت داده بود. تغییر روش بی‌سابقه دولت‌های عرب در این نشست خاص تا حدودی بیانگر احساس سرخوردگی اعراب از روند به بن‌بست رسیده صلح با اسرائیل بود. اما بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل منکر هرگونه مسئولیت نسبی دولت خود در روانه شدن رهبران دولت‌های میانه‌رو عرب به ایران شد. شکست آشکار ایالات متحده در زنده کردن روند صلح اعراب و اسرائیل سبب رنجیدگی خاطر و دور شدن اعراب از واشینگتن شده بود و این واقعیتی بود که دولت آقای خاتمی با زیرکی آن را مغتنم شمرد.

رویکرد دولت کلینتون در قبال روند صلح که آشکارا رنگ و بوی جانبداری از اسرائیل دارد به همان اندازه که در شکست گردهم‌آیی کم‌شمار مقامات خاورمیانه و شمال آفریقا در کنفرانس اقتصادی دوحه (که یک ماه پیش از نشست تهران به همت ایالات متحده تشکیل شد) نقش داشت، مایه موفقیت نشست تهران هم بود. برپایه گزارش برخی از روزنامه‌های عرب زبان، نبیل شعث وزیر برنامه‌ریزی دولت خودمختار فلسطین افشا کرده بود که ایالات متحده این دولت را برای تحریم کردن نشست تهران زیر فشار قرار داده است. ۱۳ جدای از درستی یا نادرستی این گزارش‌ها، یاسر عرفات رهبر دولت خودمختار فلسطین در مصاحبه با یکی از روزنامه‌های معروف ایران ادعا کرد مادین آبرایت وزیر خارجه ایالات متحده طی مکالمه‌ای ۴۰ دقیقه‌ای چنان با وی سخن گفته بوده است که گویا «وی نباید به ایران سفر و در مذاکرات نشست تهران شرکت کند». البته یاسر عرفات اضافه کرد که دلیل آمدنش به تهران آن بوده است که انتظار داشته مسئله فلسطین اصلی‌ترین موضوع مورد بحث در این نشست باشد.

اگر چنین باشد، باید گفت کشوری که واشینگتن آن را اصلی‌ترین حامی تروریسم بین‌المللی می‌خواند، به جهانیان نشان داده که ۶۹ درصد رأی دهندگانش با ریختن رأی آزاد خود به صندوق‌های رئیس‌جمهور جدید را دارای مشروعیت مردمی کرده‌اند. پس از آن نیز نشست سران و نمایندگان ۵۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر اعتبار ایران صدچندان افزود، رئیس‌جمهور آن را برای مدت سه سال بر کرسی ریاست این سازمان نشانده و بدین ترتیب هاله‌ای از مشروعیت بین‌المللی بر گرد ایران کشید که قطعاً به تحکیم قدرت آقای خاتمی در داخل کمک خواهد کرد. نزدیک ۲۰ سال تلاش واشینگتن برای منزوی ساختن ایران به نتیجه معکوس انجامید: دستکم در طول سه روز برگزاری نشست مزبور، نمایندگان بیش از یک میلیارد مسلمان جهان که ۷۰ درصد منابع انرژی جهان را در اختیار دارند آشکارا ایالات متحده و اسرائیل را در نظام بین‌المللی منزوی ساختند.

سخنرانی حجت الاسلام خاتمی و بیانیه تهران

در نشست جهانی سران اسلام که در ۹ دسامبر در تهران برگزار شد، حجت الاسلام خاتمی در مورد همه عناصر اصلی سیاست خارجی خویش که بر مدار صلح دموکراتیک شکل می‌گیرد به تفصیل شرح داد. وی در حرکتی برجسته با فاصله گرفتن از روش مدافعه‌آمیز اندیشه

اسلامی، نطق خود را با اعتراف آشکار به این حقیقت آغاز کرد که در سده‌های اخیر امت اسلام گرفتار «ضعف و واپس ماندگی» شده است.^{۱۵} ولی چاره‌ممكن یا مطلوب این درد، تلاش برای تکرار دوباره تمدن کهن اسلامی نیست. راه حل را می‌توان در شناخت شایسته و عمیق روزگار حاضر جست که دوران چیرگی فرهنگ و تمدن غرب است. این شناخت باید دربرگیرنده «مبادی و مبانی نظری و ارزشی آن [تمدن غرب]» هم باشد.^{۱۶}

آقای خاتمی پیامدهای ماهیت اساساً دموکراتیک اندیشه خود در باب جامعه مدنی اسلامی یا مدینه‌النبی را در هر دو حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی برشمرد. از نظر داخلی «حکومت در این جامعه خدمتگزار مردم است و نه ارباب آنان و در همه حال در برابر مردمی که خداوند آنان را بر سر نوشت خود حاکم کرده است پاسخگو است.»^{۱۷} از لحاظ بین‌المللی هم به گفته وی «جامعه مدنی ما نه سلطه‌گراست نه سلطه‌پذیر و حق ملت‌ها را برای حاکمیت بر سر نوشت خود و دستیابی به امکانات زندگی شرافتمندانه به رسمیت می‌شناسد.»^{۱۸} کاربرد این اصول در مورد خاورمیانه این معنی را می‌دهد که «صلح تنها با احقاق همه حقوق مشروع مردم فلسطین از جمله حق مسلم آنان در تعیین سر نوشت خود و بازگشت آوارگان، [و] آزادی سرزمین‌های اشغال شده بخصوص قدس شریف محقق خواهد گردید.»^{۱۹}

شالوده احساس استقلال شریزه ایران در روزگاران نو، حس کهن هویت فرهنگی ایرانیان است. هم‌روند این اصل استقلال در عرصه سیاست خارجی ایران، رده‌گونه قدرت برتر جهانی همچون ایالات متحده است که به گفته آقای خاتمی سر تحمیل خواست خود بر جهان را دارد. به اعتقاد وی، نظم نو و عادلانه جهانی، همچنان جامعه، فرهنگ و سیاست نوین ایران، باید کثرت‌گرایانه باشد. در چنین نظم جهانی نوینی جایی برای هیچ‌گونه قدرت برتر منطقه‌ای هم نیست. به گفته وی «رژیم صهیونیستی» اسرائیل به دلیل «سرشت زورمدار، نژادپرست و ستیزه‌جوی»^{۲۰} خود که در «نقض مستمر و فاحش قوانین بین‌المللی، تروریسم دولتی، و توسعه سلاح‌های امحاء جمعی»^{۲۱} هویدا می‌شود، تهدیدی جدی برای صلح و امنیت خاورمیانه به‌شمار می‌رود.

سخنرانی افتتاحیه آیت‌الله خامنه‌ای که در برنامه اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی پیش‌بینی نشده بود، حتی از نطق آقای خاتمی در مورد روند صلح و غرب تندتر بود، ولی خبرنگاران و ناظران مسائل ایران در ایالات متحده توجه نکردند که عناصر اصلی خط‌مشی صلح دموکراتیک آقای خاتمی در عرضه سیاست خارجی در سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای هم مطرح شده است. رسانه‌های خبری غرب هم‌نوا

با یکدیگر تنها دو جمله بدون تعارف از آیت‌الله خامنه‌ای را گرفتند و پی‌درپی از ایشان نقل قول کردند که گفت و گوی صلح خاورمیانه «اعادلانه، استکباری، تحقیرآمیز و بالاخره غیرمنطقی»^{۲۲} است؛ و تمدن غرب همه را به مادیگری سوق می‌دهد و «پول، شکم، و شهوت بزرگترین همت‌ها شده و می‌شود».^{۲۳} اما با مطالعه دقیق دو سخنرانی آشکار می‌شود که واقعاً سخنان حجت‌الاسلام خاتمی درباره اسرائیل و روند صلح حتی تندتر از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای بوده است.

شباهت‌های مهمی میان سخنرانی دوره‌های ایرانی درباره سیاست خارجی آشتی‌جویانه ایران وجود داشت که کسی به آنها توجهی نکرد. برای نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای موداً اعلام کردند که «هیچ خطری از سوی ایران اسلامی، هیچ کشور اسلامی را تهدید نمی‌کند»^{۲۴} گفته‌ای که دولتهای عرب بویژه اعراب حاشیه خلیج فارس با گرمی آن را پذیرا شدند. ایشان از ضرورت ایجاد جامعه مدنی اسلامی، محو فقر و جهل، ایجاد شورای بین‌المجالس کشورهای اسلامی، تحقق فکر بازار مشترک اسلامی و در واقع «دموکراتیک کردن» شورای امنیت سازمان ملل با اختصاص یک کرسی دائمی در شورا برای نماینده‌ای از جهان اسلام سخن گفتند.

بیانیه تهران در پایان نشست سران در ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷ برای اجزای اصلی سیاست خارجی تازه و آشتی‌جویانه ایران وزن و اهمیت قائل شد. شرکت‌کنندگان در نشست رسماً اعلام کردند که مایلند «بر ضرورت تعامل مثبت، گفتگو و تفاهم میان فرهنگ‌ها و مذاهب» تأکید کنند و «فرضیه برخورد و درگیری را که موجب بی‌اعتمادی شده و زمینه تعامل صلح‌جویانه میان ملت‌ها را کاهش می‌دهد» مردود شمارند.^{۲۵} ایران همراه با دیگر دولتهای مسلمان، ادامه اشغال سرزمینهای عربی توسط اسرائیل را محکوم کرد و خواستار «ایجاد کشور مستقل فلسطین با پایتخت قرار گرفتن قدس»^{۲۶} شد. شرکت‌کنندگان در نشست تهران، یگانه تازی آمریکا را محکوم کردند و خواستار آن شدند که «همه کشورهای قانون‌داتورا ملغی‌الاثرب تلقی کنند»^{۲۷}

احتمالاً مهم‌ترین کمکی که نشست سران به طرح سیاست خارجی آشتی‌جویانه ایران کرد فرصت غیرمنتظره‌ای بود که برای گفتگوی دو جانبه بارهبران عرب و مقامات رسمی کشورهای بحرین، مصر، عراق، عربستان، امارات متحده عربی و دیگران فراهم ساخت. حجت‌الاسلام خاتمی، آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله رفسنجانی رئیس‌جمهور پیشین ایران هر سه بطور جداگانه و به درجات متفاوت در این بحث‌های دو جانبه شرکت داشتند. با وجود آشکار نشدن موضوع بحث‌های خصوصی، بسادگی می‌توان پیش‌بینی کرد که مسائل مهم مورد

خاتمی نشان از گذشت بیشتری دارد. واشینگتن در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ در گرماگرم بحران تصرف سفارت آمریکا در تهران در دوران زمامداری کارتر، موجودی حساب‌های ایران نزد بانک‌های آمریکایی را توقیف^{۳۳} و در ۷ آوریل ۱۹۸۰ مناسبات دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. رونالد ریگان و جورج بوش رؤسای جمهور بعدی این کشور در طول جنگ عراق با ایران در دهه ۱۹۸۰ جانب عراق را گرفتند و دولت کلینتون و کنگره هم در دهه ۱۹۹۰ مجازات‌های ایران را سخت‌تر کردند. قانون داماتو که آن دسته شرکت‌های خارجی را که سالانه ۲۰ میلیون دلار یا بیشتر در طرح‌های توسعه نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند تهدید به مجازات می‌کند با ابتکار رئیس مجلس نمایندگان این کشور نیوت گینگریچ دایر بر تخصیص ۲۰ میلیون دلار برای براندازی حکومت ایران تکمیل شد.

با همه اینها، حجت‌الاسلام خاتمی به وعده خود برای گفتگو با مردم آمریکا وفا کرد. او در ۷ ژانویه ۱۹۹۸ در سخنانی که از شبکه تلویزیونی بین‌المللی CNN پخش شد، خطاب به مردم آمریکا گفت اصول آزادی و مذهب که شالوده جمهوری آمریکا را قوام بخشیده، بنیاد تشکیل جمهوری اسلامی ایران هم بوده است. ظاهراً این واقعیت برای آقای خاتمی چندان اهمیت ندارد که بگویم بر سر جدایی کلیسا از دولت قرن‌ها در غرب جریان داشته و تا امروز هم که آمریکاییان از خود می‌پرسند چرا و تا چه اندازه باید دولت از دین جدا باشد همچنان در ایالات متحده جریان دارد. قانون اساسی ایران اصل حاکمیت مردم را با اصل حاکمیت خداوند درهم آمیخته است. بحث بر سر پیوند زدن مرجعیت سیاسی با مرجعیت مذهبی از زمان تولد جمهوری اسلامی تا امروز جریان داشته است.

با وجود این تغییر فوق‌العاده در رویکرد ایران به کل مناسبات بین‌المللی و بویژه رابطه با مردم آمریکا، پاسخ اولیه مقامات آمریکایی بسیار محتاطانه و از این نظر بانفس اصول سیاست خارجی دولت کلینتون در تعارض مستقیم بود. کلینتون بالا بردن شمار دموکراسی‌ها در جهان را به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی دولت خود اعلام کرده است. وی برای تحقق هدف آشکار گسترش دموکراسی، مناصب تازه‌ای در وزارت خارجه آمریکا ایجاد کرد و پیشنهاد نمود که بودجه بنیاد ملی دموکراسی برای برنامه‌های تشویق انتخابات در دیگر کشورها ۶۰ درصد افزایش یابد. اما در برابر حرکت شیردلانه آقای خاتمی، کلینتون و مقامات دولتی ایالات متحده تا یکماه و نیم به گفتن این مطلب اکتفا کردند که سخنرانی تلویزیونی آقای خاتمی آنان را «گیج» کرده و اشارات وی برای آنان «جالب توجه» بوده است. تا پیش از

بحث شامل مناقشه ایران و امارات بر سر جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، اختلافات ایران با همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در خصوص روند صلح خاورمیانه و حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، اختلافات ایران و عراق بر سر مبادله اسیران جنگی، و دیگر موضوعات حل نشده بوده است. ولی یکی از اهداف اصلی ایران در این نشست ایجاد فضایی از اعتماد و اطمینان در مناسبات با تمامی همسایگان خود در منطقه خلیج فارس بود.

برای نمونه، حجت‌الاسلام خاتمی برای ایجاد اعتماد متقابل میان ایران و امارات متحده عربی ابراز آمادگی کرد تا با شیخ زاید النهیان دیدار کند که با استقبال امیر روبرو شد. هر چند در «بیانیه پایانی» هیجدهمین نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در همان ماه دسامبر ۱۹۹۷ پس از نشست سازمان کنفرانس اسلامی برگزار شد بار دیگر جزایر سه گانه «متعلق» به امارات متحده عربی اعلام و از ایران خواسته شد «به سیاست اشغال این جزایر پایان دهد»^{۳۸} ولی از «لزوم برقراری روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران بر پایه حسن همجواری، احترام متقابل، و عدم مداخله در امور داخلی» غفلت نشده است.^{۳۹} در این بیانیه پایانی به «خواست دولت ایران برای گشایش فصلی نو در روابط خود با دولتهای عضو شورای همکاری خلیج فارس...» توجه شده و نسبت به «توسعه مثبت و عملی» این مناسبات ابراز امیدواری گردیده است.^{۴۰} در واقع نخستین آزمون دشوار برای سیاست خارجی صلح دموکراتیک حجت‌الاسلام خاتمی، در منطقه خلیج فارس و در عرصه اختلافات این کشور با امارات متحده عربی مطرح خواهد شد و حل این معضل همانگونه که نویسنده حاضر از سال ۱۹۷۲ یادآور شده است کار آسانی نخواهد بود.^{۴۱}

شاخه زیتونی برای مردم آمریکا

برای پای بندی استوار حجت‌الاسلام خاتمی به سیاست خارجی مبتنی بر صلح دموکراتیک، گواه نیرومندتری از سخنان وی خطاب به جهانیان در روز ۱۴ دسامبر ۱۹۹۷ وجود ندارد. وی در این پیام گفت «من مراتب احترام خود را به مردم آمریکا اعلام می‌کنم». ^{۳۲} قطع نظر از اینکه سخنان وی را چگونه تعبیر کنیم، شخص آیت‌الله خمینی [ره] همواره برای از سرگیری مناسبات با ایالات متحده در آینده با این قید که «اگر آدم بشود» راه را باز می‌گذاشت. با توجه به سیاست ایالات متحده برای مهار کردن ایران که هر روز شدت می‌گیرد، حرکت آغازین حجت‌الاسلام

روز ۲۹ ژانویه ۱۹۹۸، کلیتون به پیشنهاد آقای خاتمی برای «مبادله استادان، نویسندگان، محققان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و جهانگردان...»^{۳۴} پاسخ مثبت نداد. کلیتون به جای تکرار دستورالعمل کهنه ایالات متحده که حول گفتگوهای «رسمی» دو دولت دور می‌زند، یا قرقره کردن سه عنصر سیاست بی‌اعتبار «مهار دوجانبه» (مسائل مرتبط با تروریسم بین‌الملل، روند صلح خاورمیانه، و جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی)، بر توصیه آقای خاتمی در مورد مبادلات فرهنگی مهر تأیید زد. کلیتون در پیام شادباشی که به مناسبت فرارسیدن عید فطر برای مسلمانان فرستاد گفت «ایالات متحده از دور بودن دو ملت از هم متأسف است».^{۳۵} وی ایران را «کشوری مهم با میراث فرهنگی باستانی و سرشار» خواند «که ایرانیان بحق به آن می‌بالند».^{۳۶} رئیس‌جمهور ایالات متحده گفت «گرچه در مورد برخی سیاست‌های ایران با این کشور اختلاف نظر جدی داریم، ولی به اعتقاد من اینها بر طرف شدنی است». او افزود «امیدوارم مبادلات بیشتری میان دو ملت صورت گیرد و بزودی شاهد روزی باشیم که بتوانیم بار دیگر از روابط حسنه با ایران برخوردار شویم».^{۳۷}

بی‌سابقه‌ای است که زاده نزدیک به دو دهه تجربه انقلابی ایران است و مردم این کشور آن را به دوش آقای خاتمی گذاشته‌اند. حتی پیش از تصدی مقام ریاست جمهوری توسط آقای خاتمی هم به گفته نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، در جمهوری اسلامی ایران «پاره‌هایی از آزادی» وجود داشته است. دشوارترین و پیچیده‌ترین پرسش این است که آیا می‌توان در آینده این پاره‌ها را به خطه آزادی در داخل و صلح در خارج تبدیل کرد، آن هم در منطقه‌ای که تاریخی آکنده از تلاطم‌های داخلی و جنگ میان دولتها دارد. ایالات متحده... باید در راستای منافع ملی روشن خود، مشوق چنین فرآیند تغییری باشد.

یادداشت‌ها

۱. در این نوشته منظور ما از جوانان ایرانی همه آن ۲۰ میلیون مردان و زنان رأی‌دهنده جوانی است که بیشتر متعلق به جوامع شهری و عمدتاً باسوادند و چشمداشت زندگی اجتماعی، سیاسی و مادی بهتری دارند.
۲. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، گزارش سمینار ۲، ص ۳۶.
۳. جمع کثیری از ایرانیان و گزارشگران خارجی، پیش و پس از مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری اینها را از جمله چشمداشت‌های جوانان ایرانی دانسته‌اند. برای نمونه، ر. ک. به:

“Children of the Islamic Revolution”, **The Economist**, 18 January 1997, pp.3-16; Eric Hooglund, “Mythology Versus Reality: Iran’s Political Economy and the Clinton Administration”, **Critique**, no.11 (Fall 1997), pp.37-51.

4. Ibid.

۵. جریان دادگاه میکونوس.
۶. نزدیک‌ترین معادل برای نظریه محوری آقای خاتمی در نظریه روابط بین‌الملل، نظریه معروف به «صلح دموکراتیک» است که طبق آن، دموکراسی‌ها ذاتاً مسالمت‌جویند. بیشتر محققان بر این نظرند که دموکراسی‌ها با یکدیگر در صلح به سر می‌برند (تفسیر دوتایی) حال آنکه بسیاری از هواداران این نظریه معتقدند دموکراسی‌ها حتی در برابر دشمنی که دارای رژیم غیردموکراتیک است تمایل کمتری به کاربرد زور دارند (تفسیر تک‌زی). حجت‌الاسلام خاتمی که در فلسفه کانت خبره است احتمالاً با ریشه‌های این اندیشه آشناست.

۷. ر. ک. به:

Milton P. Buttington, ed., **Meet Mr. Khatami: The Fifth President of the Islamic Republic**, translated by Mino R. Buttington, special study published by **Middle East Insight**, Washington, DC, 1997, p.17.

۸. ر. ک. «سخنرانی حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی ریاست جمهوری

برداشتی روشن بینانه از منافع ملی

سیاستگذاران و پژوهشگران ایالات متحده باید هر چه زودتر به برداشتی نو و روشن بینانه‌تر از منافع ملی این کشور دست یابند. تفکر مرسوم در ایالات متحده، ایران را به دلیل منابع سرشار نفت و گاز طبیعی آن، تسلط بر تنگه هرمز - گلوگاه نفت جهان - سودمندی آن به عنوان مسیر ارزان‌تر و کوتاهتر برای انتقال منابع انرژی حوضه دریای خزر به بازارهای جهانی از طریق خلیج فارس، و بازار بزرگ و بالقوه این کشور برای تجارت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی، واجد اهمیت استراتژیک می‌داند. اما ایالات متحده به‌عنوان بخشی از برداشت تازه خود درباره منافع حیاتی‌اش باید توجه داشته باشد که اکنون یک کشور با سابقه دیرین حکومت مطلقه، دارای رهبری برگزیده مردم است که برای نخستین بار در طول تاریخ دراز ایران، خود را ساخت پایبند طرح‌ریزی جامعه‌ای باز کرده است، به امید آنکه این جامعه سرانجام به مردم‌سالاری در داخل و صلح در خارج برسد.

برنامه کار حجت‌الاسلام خاتمی آشکارا بلندپروازانه و رؤیایی است و ناگزیر با تنگناهای زاده سیاست قدرت در دو عرصه داخلی و بین‌المللی برخورد خواهد کرد. ولی در عین حال این برنامه مأموریت

۲۴. همان.
۲۵. «جزئیات بیانیه تهران در پایان اجلاس سران کنفرانس اسلامی»، اطلاعات ۱۳۷۶/۹/۲۲، ص.
۲۶. همان.
۲۷. همان.
۲۸. برای ملاحظه متن بیانیه پایانی هیجدهمین نشست شورای همکاری خلیج فارس، ر.ک. به:
Foreign Broadcast Information Service, Near East and South Asia (FBIS-NES) Daily Report, 22 December 1997.
29. Ibid.
30. Ibid.
۳۱. ر.ک. به:
R.K. Ramazani, **The Persian Gulf: Iran's Role** (Charlottesville: University Press of Virginia, 1972), pp. 56-68.
۳۲. به نقل از کنفرانس خبری حجت الاسلام خاتمی در ۲۳ آذر ۱۳۷۶ در تهران. اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۲۴.
33. Executive Order 12170 in **Public Papers of the Presidents of the United States, Jimmy Carter, June 23- December 31, 1979**, Book II (Washington, DC: US Government Printing Office, 1980), p.2118.
۳۴. برای ملاحظه متن مصاحبه حجت الاسلام خاتمی با شبکه CNN، ر.ک. اطلاعات ۱۳۷۶/۱۰/۱۸، صص ۱-۳.
35. **The Washington Post**, 30 January 1998.
36. Ibid.
37. Ibid.

- اسلامی ایران و رئیس هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی»، اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸، ص ۳.
۹. ر.ک. به:
Buttington, ed., **Meet Mr. Khatami: the Fifth President of the Islamic Republic**, p. 17.
10. Ibid., pp. 33-34.
11. Ibid., pp. 44-45.
12. Ibid.
۱۳. ادعای وارد شدن فشار از سوی ایالات متحده، توسط فهیمی هویدی، در شماره ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷ روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن مطرح شده است.
۱۴. برای مطالعه متن مصاحبه ر.ک. **اطلاعات**، ۱۳۷۶/۹/۲۰.
۱۵. ر.ک. «سخنرانی حجت الاسلام سیدمحمد خاتمی ریاست جمهوری اسلامی ایران و رئیس هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی»، اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸، ص ۳.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. همان.
۱۹. همان، ص ۲.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. «سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم گشایش کنفرانس اسلامی»، اطلاعات، ۱۳۷۶/۹/۱۸، ص ۲.
۲۳. همان.

برنامه ریزی در ایران

تاس. ا.ج. مک لئود

ترجمه علی اعظم محمدیگی
نشر نی - بها ۷۵۰ تومان



نگاهی نو به مفاهیم توسعه

ولفگانگ زاکس

ترجمه دکتر فریده فرهی / وحید بزرگی

نشر مرکز - بها ۹۸۰ تومان